

وثوق الحکماء و مهم ترین اثر او

اثر: دکتر محمد رضا برزگر خالقی

عضو هیأت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

(از ص ۱۶۳ تا ۱۷۰)

چکیده:

محمد ابراهیم بن محمد علی سبزواری خراسانی ملقب به «وثوق الحکماء» متوفای حدود ۱۳۵۸ هـ یکی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری و آقا میرزا محمد امجد سبزواری است و از صاحب جواهر و شیخ نوح نجفی اجازه اجتهاد گرفته است.

آثار «وثوق الحکماء» عبارتند از شرح صحیفه سجادیه، شرح دعای کمیل، شرح دعای عدیله و شرح گلشن راز شیخ محمد شبستری. شارح، شرح گلشن راز را به درخواست یکی از دوستان خود نوشته و در آن از مطالب مورد اعتقاد حکما، به ویژه استاد خود حاج ملاهادی سبزواری بهره برده است. وی ابیات گلشن راز را با استناد به آیات و احادیث و اقوال عرفا و اشعار مناسب شرح و توضیح داده است.

واژه های کلیدی: زندگی نامه، آثار، چاپ های سنگی شرح گلشن راز وثوق الحکما، مقایسه شرح وثوق الحکما با شرح لاهیجی.

مقدمه:

«محمد ابراهیم (ابن نام از کتاب «شرح گلشن راز» ص ۳، از زبان خود سبزواری نوشته شد؛ ولی بیشتر مآخذ نام وی را «میرزا ابراهیم» نوشته‌اند). بن محمد علی سبزواری خراسانی» ملقب به «وثوق الحکماء» متوفای حدود ۱۳۵۸ هیکه از شاگردان «حاج ملاهادی سبزواری» است.

در باره زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست؛ فقط همین قدر به دست آمد که او یکی از شاگردان (در این آثار، به اینکه او شاگرد حاج ملاهادی سبزواری بوده است، تصریح شده است. نقباء البشر، آقا بزرگ طهرانی، ص ۳ با مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، ج ۱، ص ۴۶۲؛ تاریخ حکماء و عرفاء متأخرین صدرالمتألهین، منوچهر صدوقی سها، ۱۳۵۹، ص ۱۲۴ با دیوان حاج ملاهادی سبزواری، به کوشش احمد کرمی ص ۱۴). «آقامیرزا محمد امجد سبزواری» (تاریخ حکماء و عرفاء متأخرین صدرالمتألهین، ص ۱۲۴) است و از صاحب جواهر و «شیخ نوح نجفی» اجازه اجتهاد گرفته (اعیان‌الشیعه، سیدمحسن امین، ج ۲، ص ۱۳۹، ۱۴۰۳) است. شاگردانی نزد «محمد ابراهیم سبزواری» به تلمذ پرداخته‌اند که یکی از آنها، «ابوالحسن میرزا» ملقب به «شیخ‌الرئیس» متوفای حدود ۱۳۳۳ ه است. (نقباء البشر، آقا بزرگ تهران، ص ۳، ۱۴۰۴)

آثار «وثوق الحکماء» عبارتند از:

- ۱- شرح صحیفه سجاده: شرحی فارسی و عرفانی بر «صحیفه سجاده» است که در سال ۱۳۴۲ ه در ۳۴۰ صفحه، توسط «حاج عبدالرحیم» در تهران چاپ سنگی شده است. (الذریعه، آقا بزرگ طهرانی، ج ۱۳، ص ۳۴۵ و فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، خان بابا مشار، ج ۳، ص ۳۲۴۰)
- ۲- شرح دعای کمیل: که «وثوق الحکماء» پس از بازگشت از حج در سال ۱۳۱۸ ه آن را نوشته که بصورت سنگی چاپ شده است. (نقباء البشر، آقا بزرگ طهرانی، ص ۲۰، ۱۴۰۴)
- ۳- شرح دعای عدیله: این شرح را نیز «سبزواری» پس از بازگشت از حج در ماه

رمضان ۱۳۱۸ هـ به زبان فارسی نوشته که در تهران چاپ سنگی شده است. (الدَّرْبَعَة، ج ۱۳، ص ۲۵۷)

۴- شرح گلشن راز: «گلشن راز» اثر منظوم و عرفانی «شیخ محمود شبستری» (متولد ۶۸۷ و متوفای ۷۲۰ هـ) است که مبنای آن را پاسخ به سؤالات «امیر حسینی هروی» (متوفای ۷۱۸ هـ) تشکیل داده است. امیر حسینی در سال ۷۱۷ هـ با گسیل داشتن رسولی از خراسان، طی نامه‌ای ۱۸ (تعداد سؤالات هروی را در کتب مختلف، ۱۷، ۱۹، و ۳۶ نوشته‌اند که ۱۸ سؤال، بر اساس سؤالات متن شرح گلشن راز لاهیجی انتخاب شد) سؤال عرفانی از شبستری پرسیده که وی فی‌البداهه به آنها پاسخ داده است. سپس شبستری با تکمیل کردن آنها در چند ساعت، مثنوی گلشن راز را در بیش از هزار بیت (ابیات گلشن راز را از ۹۵۸ تا ۱۰۰۶ بیت ذکر کرده‌اند و نسخه شرح لاهیجی که بهترین و کامل‌ترین شرح گلشن راز است، شامل ۱۰۰۶ بیت می‌باشد) سروده است.

این کتاب کوچک، یکی از آثار مهم عرفانی است که در آن تأثیر آرای ابن عربی و شیوة شعر عطار و مولانا به خوبی آشکار است و تاکنون حدود ۵۰ شرح و حاشیه و نظیره و ترجمه بر آن نگاشته شده است که مهمترین آنها، شرح «شمس الدین محمد لاهیجی» موسوم به «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» است. (مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، شمس الدین محمد لاهیجی، ص ۵۰۲۸، مقدمه، ۱۳۷۱) علاوه بر آن، شرح‌های زیر نیز دارای اهمیت می‌باشند. (برای اطلاع بیشتر از چگونگی سرودن گلشن راز و واقف شدن بر این سؤالات و پاسخ‌های آنها و آشنا شدن با شروح مختلفی که بر آن نگاشته‌اند، ر.ک. به مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، لاهیجی، مقدمه، ص پنج - سی و هشت)

۱- شرح گلشن راز از «ضیاء الدین علی ترکه خجندی سپاهانی» متوفای ۸۳۵ هـ
۲- نسائم گلشن از «نظام الدین محمود حسینی شیرازی» (الداعی الی الله)
متوفای ۸۶۷ یا ۸۹۹ هـ

۳- شرح گلشن راز از «الهی اردبیلی» در ۹۰۸ هـ (این شرح از سوی نگارنده به وسیله انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، سال ۱۳۷۶ منتشر شده است)

۴- رساله مشواق از «ملاحسن فیض» متوفای ۱۰۹۱ هـ

۵- شرح گلشن راز از «محمدابراهیم سبزواری» ملقب به «وثوق الحکماء» از شاگردان «حاج ملاهادی سبزواری». (تصحیح این شرح از سوی نگارنده آماده چاپ است) این شرح را «سبزواری» به درخواست یکی از دوستان خود نوشته است. شارح، این مطلب را در مقدمه شرح خود بدین گونه آورده است: «داعی به واسطه دوستی عزیزالوجود، در صدد تدوین بعضی از معانی مخفیة او به جهت ایضاح برآمده؛ امیدوارم که ان شاء الله مقبول نظر فیض منظر ایشان و مطلوب ارباب ذوق و وجدان افتد که همین است غایة الآمال و مشتمل بر بسیاری از آیات و احادیث و کلام عرفا و حکمایی که کلام گهربار ایشان در هر بیان باشد، چون ملح در طعام است.» (شرح گلشن راز، محمد ابراهیم بن محمد علی سبزواری خراسانی، چاپ سنگی، ص ۳، ۱۳۱۶)

در این شرح، «سبزواری» از مطالب مورد اعتقاد حکما به خصوص استاد خویش «حاج ملاهادی سبزواری» بهره برده است. وی ابیات گلشن را با استناد به آیات و احادیث و اقوال عرفا و اشعار مناسب شرح و توضیح داده است. بیشترین اشعاری که سبزواری در شرح خود آورده است، از مولوی، حافظ، خیام، حاج ملاهادی سبزواری (متخلص به اسرار)، شیخ بهایی، ملاصدرا، جامی و ابن سیناست. شرح وثوق الحکماء برای بار دوم، در سال ۱۳۱۶ توسط اداره شرکت طبع کتاب، به دستیاری حاجی عبدالرحیم صابر و اسماعیل معارف خواه و خط فضل الله شریف نوری اصفهانی، در ۴۴۸ صفحه به صورت سنگی چاپ شده است. به زودی تصحیح انتقادی گلشن راز سبزواری به وسیله راقم سطور منتشر خواهد شد.

جهت آشنایی بیشتر با چگونگی شرح گلشن راز به وسیله سبزواری و نیز مقایسه آن با شرح لاهیجی، شرح دو بیت نقل می‌گردد.

هرآن کس را که ایزد راه ننمود زاستعمال منطق هیچ نگشود
یعنی باید علم انسان به ارشاد و هدایت حق تعالی، از علم «یقدفه الله فی قلب

من یشاء» باشد که آن معارف مبدأ و معاد نفس است؛ چه «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و اشاره به این نحو از علم حدیث قلب «العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة» و حدیث «اطلب العلم من المهد الى اللحد» و در حق باقی علوم مجازی است «العم حجاب الاكبر»

ای کرده به علم مجازی خوی ناپرده ز علم حقیقی بوی
و در حق آن‌ها که طالبان علوم جزئی تقلیدی که مقصود بالعرضند لینل المعقول؛
شیخ بهایی می‌فرماید:

ايها القوم الذي في المدرسة كلما حصلتموه وسوسة
مگر آنکه این علوم جزئی مقصودند به واسطه آنکه سبب از جهت مطالب
معقول شوند؛ یعنی "ما به ينظر" باشند نه "ما فيه ينظر" چه «من فقد حسناً فقد علماً»
و در تعریف منطق می‌گویند «آله قانونیه» چرا که آلت لحاظ برای علم دیگر است.
(شرح سبزواری، ص ۵۶ و ۵۷)

۸۶- هر آنکس را که ایزد راه ننمود ز استعمال منطق هیچ نگشود.
معرفت ذات و صفات متعالیه الهیه، به ترتیب مقدمات و وسیله حجج و براهین
حاصل نمی‌توان کرد و بی عنایت و امداد الهی، کما ینبغی بر معارف یقینی مطلع
نمی‌توان شد.

ای دوست حدیث عشق دیگرگون است
وز کیل حروف این سخن افزون است.

گر دیده دل بازگشایی نفسی
معلوم شود که این حکایت چون است.
و در مرتبه عشق که مقام فنای جهت عبدانی و منزل بقا و اتصاف به صفات کمال
ربانی است، عقل و عاقل را راه نیست. شعر:

عقل در کوی عشق ناییناست عاقلی کار بوعلی سیناست
و هر که در طریق معرفت الهی، به مجرد عقل، بی ارشاد و متابعت کامل که

واسطه هدایت حق است قدم نهد، یقین است که حاصل او به جز حیرت مذموم و ضلال به موجب «واضله الله علی علم» نخواهد بود و جمال وحدت حقیقی حق، جز به دیده شهود مشاهده نتوان نمود. شعر:

نور، خود ز آفتاب نبریده است عیب در آینه است و در دیده است
هر که اندر حجاب جاوید است مثل او چو بوم و خورشید است
(شرح لاهیجی، ص ۵۵ و ۵۶)

چو اشیا هست هستی را مظاهر از آن جمله یکی بت باشد آخر
دلیل اول به نظر اهل توحید بود که غیری باقی نماند و اما به طریق دیگر جواب می دهند بر آنکه تمام متفق اند که کل موجودات مظاهر از جهت ذات حق و صفات و اسمای اویند حتی شیطان که مظهر اسم یا رقیب است؛ چه مراقبت در خانه دوست نماید از دخول هر نامستعدی کماقیل:

تا به سرای وصال ره نبرد نارسا اهرمن حاجبت پرده بر آن درگرفت
مثنوی:

خلق را چون آب دان صاف و زلال واندران تابان صفات ذوالجلال
و اشیا در کلام ایشان به معنی مشیت وجوده عام است و همه را شامل شود.
وزان جمله یکی بت باشد آخرش مظهر اسم یا معبود، حق است که کافران سجده او نمایند؛ ولی:

کافران از بت بی جان چه تمنا دارید باری آن بت پرستید که جانی دارد
پس اعتبار مظهریتش اسم حق را و به اضافه به سوی خدا، حق پرستی است و به رحمت عامه که می فرماید: «برحمتی وسعت کل شیء» بت و بت پرستت مرحومند؛ چه از شیعیت عام خارج نیستند.

(شرح سبزواری، ص ۴۰۶ و ۴۰۷)

۸۶۷ - چو اشیا هست هستی را مظاهر
از آن جمله یکی بت باشد آخر

یعنی چون تمامت موجودات و کثرات، مظاهر و مجاب هستی مطلق اند که حق عبادت از اوست، و به صورت و نقش همه حق ظاهر و متجلی است و هر آینه از جمله مظاهر، یکی بت است که کافران آن را عبادت می نمایند، پس به حکم «وقضى ربك الاتعبدوا الاياه» بالضروره، همه عابد حق باشند که «فاینما تولوا فثم وجه الله» و تعیین طریق و حصر ممنوع بود. شعر:

ز اصنام سومنات چو حسن تو جلوه کرد

شد بت پرست عابد اصنام سومنات

لات و منات را ز سرشوق سجده کرد

کافر چو دید حسن تو را از منات و لات

(شرح لاهیجی، ص ۵۳۷)

نتیجه:

شرح وثوق الحکما یکی از مهم ترین شروح گلشن راز می باشد که آن را به درخواست دوستی عزیز نوشته است. در این شرح، سبزواری از مطالب مورد اعتقاد حکما به خصوص استاد خویش، حاج ملّا هادی سبزواری بهره برده است. نگارنده شرح سبزواری را براساس نسخه ای منحصر به فرد که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، و یک چاپ سنگی تصحیح نموده، همراه با یک مقدمه و فهارس و تعلیقات به زودی منتشر خواهد شد.

دی ماه ۱۳۷۸

منابع و مأخذ:

- ۱- اعیان الشیعه، الامام السید محسن الامین، حقیقه و اخرجه حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، دارالانواء، بیروت.
- ۳- تاریخ حکماء و عرفاء متأخرین صدرالمتألهین، تألیف منوچهر صدوقی سها، انجمن

- اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۹.
- ۴- دیوان حاج ملاهادی سبزواری، به کوشش احمد کرمی، سلسله نشریات «ما» چاپ اول، ۱۳۷۰
- ۵- شرح گلشن راز، محمد ابراهیم بن محمدعلی سبزواری خراسانی، چاپ سنگی اداره شرکت طبع کتاب، سال ۱۳۱۶.
- ۶- فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، خان بابا مشار، تهران، ۱۳۵۲.
- ۷- مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز، تألیف شمس‌الدین محمد لاهیجی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، چاپ اول، انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
- ۸- مکارم‌الآثار در احوال رجال دوره قاجار، میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، مؤسسه نشر نفائس مخطوطات اصفهان، ۱۳۳۷.
- ۹- نقباء البشر، ذیل طبقات اعلام‌الشیعه، القسم الاول من الجزء الاول و هو نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، تألیف آقا بزرگ طهرانی، دارالمرتضی للنشر، مشهد؛ ۱۴۰۴.